



ز شواهد قرآنی و حدیثی
گامی به سوی ارزش‌های علوم قرآنی
از دانشگاه تهران

ژوئیه ۱۳۸۵

چشم‌پند

ریشه‌یابی معنایی لغات قرآنی و بررسی سیر تطور معنایی آنها در طول زمان و همچنین توجه به معنای اولیه و نزدیک به زمان صدور آنها نقش به‌سزایی در ارائه ترجمه‌ی صحیح و تفسیر دقیق آیات دارد که ما در این نوشتار واژه‌ی «اثم» و برخی مترادفات آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم. کندی و تاخیر و کوتاهی دو معنای اصلی و اولیه‌ی این واژه است که در تمام معنای دیگر این کلمه - از جمله گناه، شراب، قمار، دروغ و ... - نهفته است چراکه گناه و همه‌ای مصادیق آن موجب کندی و درنگ در انجام فعل خیر است.

«خطیئه» و «ذنب» از واژه‌های مترادف اثم محسوب می‌شوند اما با دقت و بررسی لغوی آنها می‌توان به تفاوت‌های معنایی آن پی برد. فرق «ذنب» با واژه «اثم» یکی از لحاظ معنای اصلی ریشه است یعنی زاویه‌ی نگاه به گناه در «ذنب» از جهت لحوق پستی و تبعیت است اما در «اثم» از



جهت کوتاهی و کندی. دیگر آنکه ماده‌ی غفران و استغفار برای «ذنب» استفاده می‌شود در حالی که برای اثم استفاده نمی‌شود که بین مسئله نیز قابل تأمل است و حتما می‌توان با بررسی آن به نکات جالبی دست پیدا کرد. در تفاوت واژه‌ی «خطیئه» با «اثم» نیز می‌توان به دو مورد اشاره کرد: اول از لحاظ معنای اصلی ریشه که در «اثم» کوتاهی و سستی در عمل مطرح است؛ اما در خطا اشتباه کردن بیان شده است و فرق دوم آن در شرط آنهاست که در اثم عمدی بودن شرط است اما در خطا غیر عمدی بودن شرط است.

کلیدواژه‌ها

واژه‌شناسی - لغت - اثم - مفردات - خطیئه - ذنب

مقدمه:

شناخت واژه‌ها و مفردات قرآن از جمله مقدمات مهم در فهم قرآن و تفسیر آن به شمار می‌رود. هر کس که بخواهد از دریای بی‌کران قرآن بهره برد و بر شگفتی‌های آن مطلع گردد به ناچار می‌باید بر الفاظ آن آشنا باشد به ویژه که در برخی از الفاظ آن وجوه و معانی عمیقی نهفته است که بدون آگاهی بر آن دسترسی بر محتوا و معانی آن ممکن نخواهد بود.

شناخت واژه‌های قرآنی تا آنجا دارای اهمیت است که اگر بررسی دقیقی در مورد معنی آن نشود، ممکن است موجب، فهمی ناصواب و غیر صحیح در احکام و معارف دینی، از قرآن شود، که جمعی دچار چنین انحرافی شده و در مسائل کلامی، سیاسی، اجتماعی و... خویش و جمعی را از مسیر هدایت به دور نموده‌اند. از این روی شناخت واژه‌ها و مفردات قرآنی برای همه‌ی دانش‌پژوهان به ویژه علاقمندان به تفسیر قرآن، ضروری می‌نماید.

راغب اصفهانی در این مورد می‌گوید:

نخستین دانش، از دانشهای قرآنی که برای درک و فهم قرآن، لازم می‌نماید، علوم الفاظ است که بخشی از آن، تحقیق در الفاظ و مفردات قرآن است. در حقیقت نخستین یاری کننده برای کسی که می‌خواهد معانی قرآن را بفهمد، فراهم نمودن معانی واژه‌های قرآن، و شناخت آنها است، همچنانکه تهیه و به دست آوردن وسائل بنائی، برای سازنده‌ی ساختمان، از نخستین وسائل کار وی می‌باشد. ۱. همو گوید:

شناخت مفردات قرآن، نه تنها برای دانش‌پژوه قرآنی، سودمند و مورد نیاز است، بلکه در هر علمی از علوم شرعی، مورد استفاده است. لغات و الفاظ قرآن، عصاره و برگزیده‌ی کلام عرب، و واسطه و بخشنده‌ی مفاهیم آن می‌باشد. اعتماد فقهاء، حکماء، در احکام و حکمت‌هایشان بر آنها است. شعراء، نویسندگان ماهر و زبردست، خطیبان و بلیغان، در نظم و نثرشان از آن الفاظ، یاری می‌جویند. ۲.



بررسی یک کلمه در کتابهای لغت از آغاز تاکنون و مقایسه‌ی معانی کسب شده با ترجمه‌های امروزی نقش بسزایی در فهم تحول معنایی کلمه و کشف ارتباط معنی قرآنی با معنای اولیه دارد که در این شیوه بسیاری از نقاط ضعف و قوت مفسران و مترجمان کشف می‌شود چرا که فهم دقیق و درست معانی مفردات قرآن نقش بسزایی در ارائه‌ی تفسیر و یا ترجمه‌ی دقیق و ارزشمند دارد. در همین راستا در این مقاله سعی کرده‌ایم تا واژه‌ی اثم و تحول معنایی آن تاکنون و همچنین به بررسی تفاوت آن با برخی لغات مترادف آن بپردازیم.

واژه‌ی اثم در زبانهای غیر عربی

با جستجو در کتابهای لغت مربوط به واژگان دخیل در زبان عربی چون واژه‌های دخیل در قرآن مجید نوشته آرتور جفری و همچنین ترجمه و شرح مفردات سیوطی^۳ به نظر می‌رسد که این کلمه کاملاً عربی بوده و در زبانهای غیر عربی سابقه‌ای نداشته است. زیرا در این کتب این واژه یافت نمی‌شود.

واژه‌ی اثم در کتب لغت

در بیان معنای این کلمه و مشتقات آن در کتب لغت به معانی ذیل اشاره شده است. با توجه به اینکه معانی مشتقات آن متفاوت و حتی در بعضی از موارد متناقض بود معانی هر یک از مشتقات آن را به صورت جداگانه بیان می‌کنیم:

الف) اثم:

در معنای این کلمه موارد زیر در کتب لغت به چشم می‌خورد:

- ۱- کذب (ابو حاتم، ص ۱۴۱)...
- ۲- بظ، و تاخر (کندی و تاخیر و درنگ کردن) (ابن فارس ج ۱، ص ۶۰ - ۶۱)، (فیروزآبادی، ج ۴، ص ۷۳ - ۷۲)
- ۳- قمار (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۷ - ۵) (فیروزآبادی، همان)
- ۴- ذنب (گناه) (محمد بن عبدالقادر، ص ۱۱)، (جوهری، ج ۵، ص ۱۸۵۷)، (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۷ - ۵)
- ۵- خمر (شراب) (محمد بن عبدالقادر، همان) (فیروزآبادی، همان) (زبیدی، ج ۱۶، ص ۷ - ۵)
- ۶- انجام دادن کاری که حلال نیست. (ابن منظور، همان)
- ۷- فعل قبیحی که سزاوار سرزنش است. (الشیخ الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۰).

ب) اثم:

در معنای این کلمه معانی زیر آمده است:



۱- دره‌ای در جهنم (ابن درید، ج ۳، ص ۲۱۹)، (زبیدی، ج ۱۶، ص ۷ - ۵)

۲- عذاب (راغب، ج ۱، ص ۱۴۹).

۳- جزاء و عقوبت اثم (ابن الاثیر، ج ۱، ص ۲۴)، (الشیخ الطریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص

۳۶) (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۷ - ۵) (خلیل، ج ۸، ص ۲۵۰) (زبیدی، همان)

۴- اسم برای افعالی که مانع رسیدن به ثواب و پاداش است (راغب، ج ۱، ص ۱۴۹) (زبیدی،

همان)

۵- هلاک

ج۱ نام

۱- خارج شدن از گناه (راغب، ج ۱، ص ۱۴۹)

۲- دوری از گناه (عدنانی، ص ۴) (ابن الاثیر، ج ۱، ص ۲۴)

۳- توبه از اثم و استغفار (عدنانی، ص ۴) (فیروز آبادی، ج ۴، ص ۷۳ - ۷۲) (زبیدی، ج ۱۶، ص

۷ - ۵)

نام اثم

۱- کذاب (دروغگو) (زبیدی، همان)

۲- ارتکاب فراوان گناه (کثره‌ی رکوب الاثم) (خلیل، ج ۸، ص ۲۵۰)

پروسی سوال: معنای این کلمه و ارتباط معنایی آن

اینها معنای است که برای مشتقات مختلف اثم در کتب لغت ذکر شده است اما سوالی که در این بین به ذهن می‌رسد این است که معنای متفاوت و بعضاً متناقض این کلمه چگونه توجیه می‌شود و ارتباط معنایی بین آنها چگونه است. به عبارت دیگر ریشه‌ی اصلی این کلمه چیست و معنای فرعی این کلمه چه کلماتی هستند و چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

۱- همان طور که در معنای نیز اشاره شده است به نظر می‌رسد اثم در اصل لغت به معنای کندی و تأخیر است. ابوهلال در معنای این کلمه به تقصیر نیز اشاره کرده است.^۴ و این دو معنی نزدیک به هم هستند. شاید بتوان گفت تأخیر که ابن فارس (م ۳۹۵) اولین کسی است که به آن اشاره کرده است - و تقصیر معنای اصل این کلمه هستند. اما سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا متقدمان در لغت چون خلیل (م ۱۷۰) و ابن درید به این معنی اشاره نکرده‌اند با توجه به اینکه هم ابوهلال (م ۳۹۵) و هم ابوفارس متوفای قرن چهارم هستند در حالی که خلیل قرن دوم است. پاسخ این سوال چندان روشن نیست اما می‌توان گفت که خلیل در تبیین معنای دقیق اثم چیزی نگفته

است بلکه بیشتر به بیان مشتقات و معانی آن پرداخته و اثم را با مشتقات خود آن ترجمه کرده است.^۵ در واقع خلیل سخنی در رد و یا قبول افراد بعد از خود نقل نکرده است. این دو معنا که به هم بسیار نزدیکند با معانی دیگر اثم مانند گناه، شراب، قمار، فعل حرام و... در نگاه اول بسیار متفاوت به نظر می‌رسند. اما با کمی دقت می‌توان به ارتباط آن و ظرایف معنایی که در این میان نهفته است پی برد. همان طور که می‌بینیم بسیاری از معانی یاد شده در ارتباط با گناه، تعریف و مصادیق آن است و ارتباط آنها با معنای اصلی همان است که راغب نیز به آن اشاره کرده است، چون اثم و اثم برای افعالی که مانع رسیدن به ثواب و پاداش است استفاده می‌شود لذا در همه‌ی آنها معنی تأخیر و درنگ و ممانعت در انجام کار خیر و در واقع کوتاهی (معنای ابو هلال) در انجام آن نهفته است و شاید بتوان گفت بهترین آیه در تایید این معنای اصلی آیه شریفه ی ذیل است.

﴿تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان﴾ (مائده/۶)

که «بر» به معنای حسن عمل و «اثم» به معنای تسامح، کندی و سستی در عمل است.^۶ و جالب این جاست که برخی از لغویون متقدم نیز دقیقاً به همین ارتباط معنایی اشاره کرده‌اند از جمله ابن فارس^۷ و زبیدی.^۸

اثم به معنای هلاک است چرا که گناه موجب تأخیر در رسیدن به خیر و در نتیجه موجب هلاکت است. ذنب نیز در معنای اثم آمده است که هر چند نسبت به معنای بعدی عامتر است اما در هر حال به معنی گناه است.

به قمار و شراب هم اثم گفته می‌شود چرا که هر دوی آنها موجب هلاکت نفس و مال می‌شوند^۹ و یا اینکه هر دوی آنها رأس گناهانند و گناهان همان طور که گفتیم موجب سستی و کندی در راه صلاح و خیر هستند ضمن اینکه شراب عقل خورنده‌اش را نیز کم می‌کند.

کذب هم اثم نامیده می‌شود هم به خاطر موارد مذکور و هم به این علت که از بارزترین مصادیق اثم است.

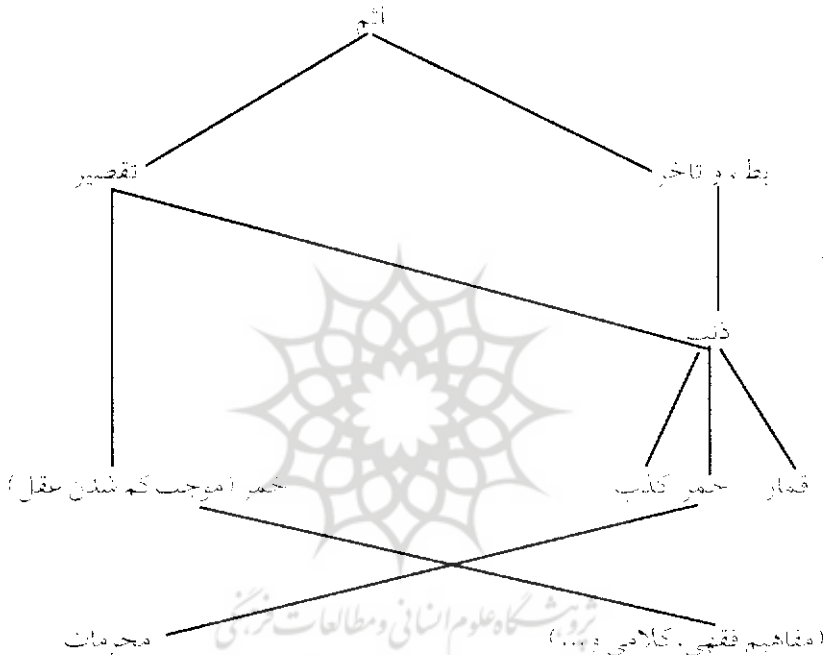
مواردی که ذکر شد معانی لغوی اثم است؛ که در پی آن در سیر تطور معنایی خود به مفاهیم شرعی، فقهی و کلامی منتقل شده است. مثلاً گفته شده عمل قبیحی است که سزاوار سرزنش است یا فعل قبیح ضرر رسان است و یا چیزی است که دوری از آن واجب است و یا هر چیزی که خداوند حرام کرده است و شبیه به آن.

۲- نکته‌ی دیگری که در این کلمه مورد توجه است این است که در همه‌ی حالات تعمد در اثم شرط است که در بخش‌های بعدی به طور مفصل در فرق آن با کلمات مشابه به آن خواهیم پرداخت.

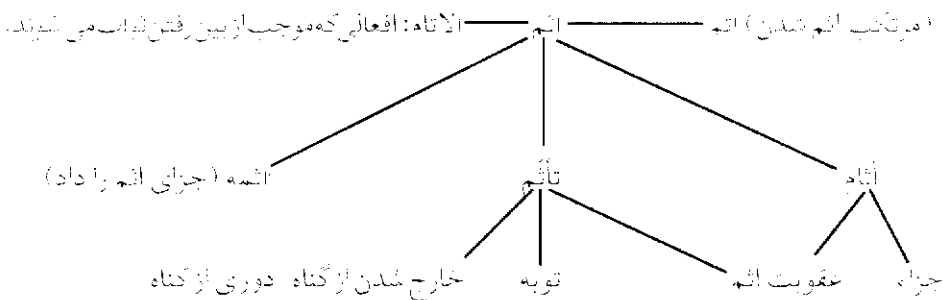


نمودار ارتباط معنای واژه‌ی اثم :

همان‌گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود تأخیر و تقصیر دو معنای اصلی و اولیه‌ی اثم و ریشه‌ی معنایی آن محسوب می‌شوند و این دو معنا در تمامی معانی دیگر آن نهفته است: در گناه چون موجب تأخیر و درنگ و ممانعت و کوتاهی (تقصیر) در انجام کار خیر است. قمار، شراب و دروغ نیز از مصادیق گناه است. از طرفی شراب چون موجب کم شدن عقل می‌شود با معنای تقصیر در ارتباط مستقیم است. اما به مرور زمان در مفاهیم شرعی، فقهی و کلامی نیز استفاده شده است.



نمودار معنای مشتقات اثم



استعمال قرآنی واژه‌ی اثم:

اثم ۴۸ بار در قرآن آمده است ۱۱ اتای آنها در سوره‌های مکی و ۳۷ مرتبه در سوره‌های مدنی که نسبت بین آنها تقریباً ۱/۳ (یک سوم) است و این تفاوت به این علت است که اکثر احکام و آیات مربوط به آنها مدنی است و اثم به دنبال تکلیف است و همه‌ی آنها اینی که در سوره‌های مدنی آمده است مربوط به مخالفت احکام فرعی است؛ اما احکامی که در آیات مکی آمده است اصولی است که موافق عقل سلیم و دین‌های دیگر است و اکثر آنها از لوازم اعتقاد به خدا و از اصول محرّمات است. (واعظزاده خراسانی، ج ۱، ص ۳۲۱)

بررسی چند لغت مترادف اثم و مقایسه‌ی آنها با هم:

در این بخش از مقاله به بررسی دو واژه‌ی خطاً و ذنب می‌پردازیم؛ ابتدا خلاصه‌ای از نظرات لغویون در مورد آنها برداشته و سپس به جمع‌بندی و بیان تفاوت آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

معنای واژه ذنب در کتب لغت:

در معنای این واژه موارد ذیل در کتب لغت ذکر شده است:

خلیل معنی ذیل را در معنی ریشه‌ی این واژه ذکر می‌کند: گناه و معصیت، مسیر حرکت آب به مناطق پست زمین که باریک است، ذنب پیروی کننده از چیزی در بی اثر آن است. مستذنب نیز کسی است که از گناه پیروی می‌کند و اثر آن جادمانی شود. (الخلیل الفراهیدی، ج ۸، ص ۱۹۱ - ۱۹۰)

ابن فارس سه معنی را به عنوان معنای اصلی این ریشه ذکر می‌کند: جرم، آخر هر چیز و بهره و نصیب. (ابن فارس زکریا، ج ۲، ص ۳۶۱)

ابن منظور در معنای این کلمه و مشتقات آن به این موارد اشاره می‌کند: ذنب به معنای گناه جرم و مصیبت است. اذتاب الناس به معنای پیروان و طبقه پایین مردم و مقابل رؤسای مردم است. ذنب هر چیزی آخر آن است و به کسر ذال انتهای هر چیزی است. (ابن منظور، ج ۱، ص ۳۸۹، ۳۹۳)..

فیروزآبادی و زبیدی نیز به همین معنای در ذیل این واژه اشاره کرده‌اند: (زک: الفیروزآبادی، ج ۱، ص ۶۸، ۶۹؛ الزبیدی، ج ۱، ص ۴۹۹، ۵۰۴)

معنای اصلی واژه‌ی ذنب و تفاوت آن با واژه‌های مشابه:

به نظر می‌رسد بهترین بیان برای بیان معنای اصلی این واژه همان است که التحقیق به آن اشاره کرده است: تبعیت و پیروی با قیود تأخر، اتصال و پستی (مصطفوی، ج ۳، ص ۳۳۴) و دقیقاً از همین جارتباط این واژه با معنای اثم که لغویون به عنوان یکی از معنای آن ذکر کرده‌اند کشف می‌شود و این ارتباط بسیار جالب است چراکه اثم از اثم پیروی می‌کند بدون آنکه از آثارش جدا شود که این پست و کبریه است. بنابراین معنی ذنب یعنی تابع متأخر. ذنوب یعنی لذتی پست که صاحبش از آن پیروی می‌کند. و یا ذناب که به پیرو معنا شده است در آن قید سفله و تقابل با رؤساء آمده است و اذتاب در هم اذتاب القوم کنایه از کم‌مایگی عقل و خرد است راغب معتقد است ذنب به طور استعاره برای بهره و نصیب به کار رفته است مثل سبیل یعنی قسمت و بهره و همچنین معتقد است الذنوب در اصل به دست گرفتن دنباله و دم چیزی است و ذنب به طور استعاره در هر

کاری که عاقبتش ناروا و ناگوار است و به اعتبار دنباله چیزی به کار رفته است از این روی واژه ذنب به اعتبار نتیجه‌ای که از گناه حاصل می‌شود بدفرجامی و تنبیه نامیده شده است. (راغب، ج ۲، ص ۲۰)

پس فرق آن با واژه اثم یکی از لحاظ معنای اصلی ریشه است یعنی نگاه به ذنب از جهت لحوق پستی و تبعیت است اما در اثم از جهت کوتاهی و کندی. بنابراین تفاوت آنها وقتی که به گناه ترجمه می‌شوند تفاوت در جهات مختلف نگاه به گناه است.

نکته دیگری در تفاوت آن لازم به ذکر است و آن اینکه: ماده‌ی غفران و استغفار برای این ذنب استفاده می‌شود در حالی که برای اثم استفاده نمی‌شود که این مسئله نیز قابل تأمل است و حتماً می‌توان با بررسی آن به نکات جالبی دست پیدا کرد.

پس مراد از ذنب مجموع عمل و اثر مترتب بر آن است و وقتی عمل از حیث خود عمل ملاحظه شود مصداقی برای ذنب و عصیان و اثم و جرم و وزر با هم می‌شود و اما اگر از جهت اثر و سایر جهات ملاحظه شود هر کدام جدا می‌شود. (مصطفوی، ج ۳، ص ۳۳۵)

در کتب لغت در معنای این کلمه نرسیدن به صواب و اشتباه کردن به صورت غیر عمدی (الخلیل الفراهیدی، ج ۴، ص ۲۹۲، ۲۹۳) نخوردن به هدف در تیراندازی، موفق نشدن در طلب حاجت و نرسیدن به هدف، گناه غیر عمدی (ابن منظور، ج ۱، ص ۶۷ - ۶۵) و ... آمده است.

ظاهراً معنای اصلی ریشه‌ی سامی واژه، اشتباه کردن و از دست دادن بوده است چنانکه صورت عبری آن همین معنای را می‌دهد و در حبشی به معنای پیدا نکردن و نیافتن است. در عبری در مورد تیراندازی و نشانه‌گیری به کار می‌رود که با توجه به شکل نوشتاری آن در کتیبه‌های عربستان جنوبی می‌توان داوری کرد همین معنا را دارد. (جفری، ص ۱۹۵) به نظر می‌رسد در ریشه اصلی این کلمه اشتباه کردن نهفته است و اگر در معنای مشابه گناه به کار می‌رود غیر عمدی بودن و اشتباه کردن در آن منظور نظر است و به همین علت خطا در جایگاه عفو و رحمت است: (مصطفوی، ج ۳، ص ۸۰) **لَا يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ إِلَّا مَنْ يَشَاءُ وَ لَكِنَّ مَا تَعْمَدُونَ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً** (احزاب/۵) از همین جا تفاوت آن با اثم آشکار می‌شود که از دو جهت است اول از لحاظ معنای اصلی ریشه که در اثم کوتاهی و سستی در عمل بود اما در خطا اشتباه کردن است و فرق دوم آن در شرط آنهاست که در اثم عمدی بودن شرط بود اما در خطا غیر عمدی بودن شرط است و آیات قرآن نیز آن را تأیید می‌کند که مهمترین آیه در تأیید این مطلب آیه‌ی ۱۱۲ سوره نساء است: **مَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئاً فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَاناً وَإِثْمًا مُّبِيناً**. به این تفاوت ابو هلال نیز اشاره کرده است. (ابو هلال، ص ۱۹۳)

اما تفاوت این واژه با ذنب نیز از دو نظر است: اول از نظر معنای اصلی که در معنای اصلی ذنب تبعیت و خواری و پستی نهفته است در حالی که معنای اصلی خطا اشتباه کردن است. دوم از این جهت که در خطا

۶. ابوحاتم، سهل، الاضداد، دارالكتب، بيروت.
۷. أبو هلال العسكري، الفروق اللغوية، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، الأولى، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، شوال المكرم ۱۴۱۲. تنظيم: الشيخ بيت اللدبيات / معجم الفروق اللغوية الحاوي لكتاب أبي هلال العسكري وجزءاً من كتاب السيد نور الدين الجزائري.
۸. أذرنوش، أذرتاش، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۹. اسلامی، محمد جعفر، ریشه‌یابی واژه‌های قرآن، چاپ اول، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۰. حفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه: دکتر فریدون بدره‌ای، چاپ اول، توس، تهران، ۱۳۶۱.
۱۱. النجوهري، الصحاح، أحمد عبد الغفور العطار، الرابعة، دار العلم للملايين، بيروت، لبنان، القاهرة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ م.
۱۲. الخليل الفراهيدي، كتاب العين، الدكتور مهدي المخزومي، الدكتور إبراهيم السامرائي، الثانية، الصدر، الهجرة، ۱۴۱۰.
۱۳. راغب، ابوالقاسم حسين بن محمد بن فضل، ترجمه و تحقيق: دکتر سيد غلامرضا خسروي حسيني، چاپ دوم، انتشارات مرتضوي، تهران، ۱۳۸۵.
۱۴. الطريحي، مجمع البحرين، السيد أحمد الحسيني، الثانية، مكتب النشر الثقافية الإسلامية، أعاد بناءه على الحرف الأول من الكلمة وما بعده على طريقة المعاجم العصرية: محمود عادل، ۱۴۰۸ - ۱۳۶۷ ش.
۱۵. عدنانی، محمد، معجم الاغلاط، مكتبة لبنان، بيروت.
۱۶. الفيروز آبادي، القاموس المحيط.
۱۷. المبرد، محمد، الكامل، مكتبة المعارف، بيروت.
۱۸. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، مركز نشر الكتاب، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۱۹. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، ۱۳۶۰.
۲۰. مقاتل، ابن سليمان، الاشباه والنظائر، المكتبة العربية، مصر.
۲۱. مؤدب، سيد رضا، مفردات قرآن (پژوهشی در واژه‌شناسی قرآن)، انتشارات احسن الحديث، قم، ۱۳۷۸.
۲۲. واعظ‌زاده خراسانی، المعجم في فقه اللغة القرآن و سر بلاغته، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۹ ق.

منابع نرم افزاری:

۱. نرم افزار جامع الاحادیث، نسخه ۲/۵.
۲. نرم افزار مكتبة اهل البيت.
۳. نرم افزار نور الانوار، نسخه ۲/۲.